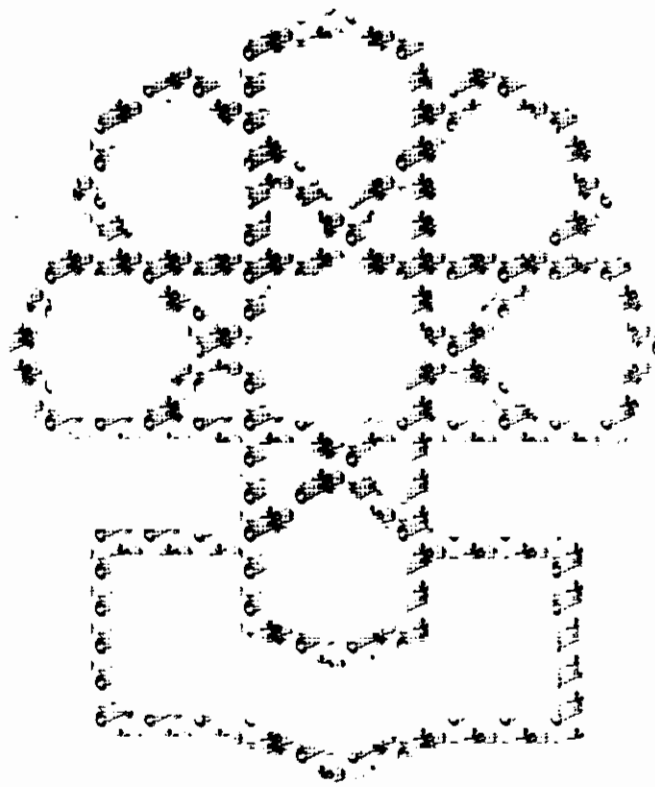


بحثی پیرامون جهاد دانشگاهی



معاونت پژوهشی
آبان ۱۳۷۷

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۴۱۰۳۸۸۱

تحول اساسی و پایدار هر جامعه در گرو رشد فکری و فرهنگی آن است. جامعه‌ای می‌تواند به بالندگی دست یابد که فراتر از توسعه اقتصادی، اعتلای فکری آحاد جامعه را مدنظر قرار دهد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، باید بیش از هر کشوری به دانش و تفکر بشری اهمیت داده شود. زیرا که نظام اسلامی مبتنی بر اسلام است و اسلام علم را بعد از تقوا و ایمان، از همه ارزش‌ها بالاتر می‌داند. امروز که شواهد بی‌شمار از تهاجم گسترده فرهنگی دشمن حکایت دارد، پرداختن به مسائل فرهنگی جامعه و تلاش در پیرایش فرهنگ در رشد فکری جامعه اهمیتی دو چندان می‌یابد. نقطه قوت ما در این است که به فرهنگی عشق می‌ورزیم که جلوه‌هایی بی‌شمار از نمودهای راستین فرهنگی دارد. نخستین جلوه با شکوه چنین ارزشی را می‌توان در ابتدای نزول وحی بر پیغمبر و شروع حرکت با فرمان «خواندن» از سوی خداوند شروع می‌شود؛ «اقرا باسم ربک الذی خلق». به قلم سوگند می‌خورد «ان و القلم و مایسطرون» و با بیان نعمت تعلیم، از کرامت خداوند در تعلیم انسان با قلم یاد می‌کند؛ «اقرا و ربک الاکرم الذی علم بالقلم» و معجزه جادوانه آخرین فرستاده الهی، کتاب است. پیامبران دیگر نوعاً معجزاتی عرضه کردند که مردم با مشاهده حسی آن سر تعظیم به عظمت خالق فرود می‌آوردند. ولی به عنوان معجزه همیشگی، کتاب نازل شد تا فکر بشر برای دریافت حقایق هستی به حرکت در آید.

«در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند و روابط فرهنگی جامعه بشری نیز از پوشش کتاب و مبادلات فرهنگی تقویت شده‌اند»^۱.

حال هر گامی که در جهت ایجاد، تثبیت و تقویت عادت به مطالعه در میان مردم برداشته شود، حرکتی مبارک است. تشکیل نمایشگاه‌های کتاب مژده‌های بزرگ برای ملت ماست تا حرکت در جهت کتابخوانی و گرایش به معلومات و معارف کتاب، به صورت یک رویه معمولی قرار گیرد.

بحث اول - کتابخوانی و ضرورت نظارت

برای اصلاح فرهنگ عمومی، باید کتاب منتشر شود و کتابخوانی به عنوان سنت رایج در آید و کتاب تنها به یک قشر خاص جامعه اختصاص پیدا نکند. مردم باید همان‌گونه که برای زنده ماندن و حفظ توان جسمی غذا می‌خورند، اهمیت کتاب به عنوان غذای روح را در یابند. کتاب غذاست، اگر مقوی باشد، روح را تقویت می‌کند، ولی باید مراقب بود که غذای بی‌فایده، غذای مسموم و فاسد با جلوه‌های زیبا به خورد مردم داده

^۱ مقام معظم رهبری، پیام به مناسبت برگزاری اولین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، ۱۴ آبان ۱۳۶۶.

نشود. از امام حسن مجتبی (ع) حدیث زیبایی نقل شده است که: «در شگفتم از کسی که در انتخاب غذای جسم خود حساس و دقیق است، حال آن که در گزینش غذای جان خود، هیچ گونه دقت و حساسیتی ندارد». ما از یک طرف تشویق به تنوع کتاب‌ها و بالا رفتن تیراژ داریم ولی از آن طرف تکلیف مخاطب را روشن نکرده‌ایم که چگونه مطلب مورد نظر خود را به طور سالم به دست آورد. برای مواد غذایی استاندارد داریم، برای محصولات صنعتی استاندارد داریم و عده‌ای متخصص بر سلامت و صحت این محصولات نظارت دارند ولی برای کتاب که غذای روح و بسیار حساس‌تر است نظارت چندانی نیست. یک وقت کتابی فساد به بار می‌آورد، خوب باید جلوی انتشار آن را گرفت، ولی یک وقت بحث فساد نیست، فکر غلطی مطرح می‌شود، مسلماً باید در قبال آن فکر درست عرضه شود. باید فکر هدایتگر مطرح شود.

اصولاً باید عده‌ای به نشر کتاب نظارت کنند. این مخصوص کتاب‌های فرهنگی و اعتقادی نیست، بلکه حتی در کتاب‌های علمی، درسی، دایرةالمعارف‌ها و... باید گروهی متخصص نظارت کنند که مطالب غلط منتشر نشود، بلکه قبل از انتشار، ارزیابی و اصلاح شود.

در مطالب فکری جامعه، مسائل تاریخی و اعتقادی باید باب نقد باز باشد و گروهی صاحب نظر به نقادی آثار بنشینند، تا ارزش مطالب روشن شود و مردم بدانند که چه خوراکی می‌گیرند. دولت مسئولیت جلوگیری از تسری فساد در جسم و جان و فکر یکایک شهروندان را دارد.

البته کمتر کتابی است که مطالعه آن هیچ گونه فایده‌ای نداشته باشد. ولی با توجه به وقت کم و گسترده‌گی مطالب باید شرایطی فراهم شود که افراد به مطالب مورد نظر خود دست یابند. گاهی افراد به خاطر نداشتن مشخصات کتاب مورد نظر از وجود آن بی‌اطلاع و محروم می‌مانند و زمانی با صرف وقت زیاد کتابی را مطالعه می‌کنند و مطلب خود را نمی‌یابند، در حالی که اگر ویژگی‌های کتاب قبلاً برای آنها مشخص شده بود اصلاً این کتاب را نمی‌خواندند.

پس از یک طرف نظارت بر کتاب برای حفظ سلامت غذای روح لازم است و از سوی دیگر نقادی برای ارزیابی کتاب‌ها و همچنین اصلاح دیدگاه‌ها و از طرف دیگر می‌باید افراد یا دستگاه‌هایی معرفی مشخصات کتاب را، آن گونه که مردم را به سوی خواسته خود رهنمون شوند. به عهده داشته باشند.

بحث دوم - جهاد دانشگاهی

۱-۲- تاریخچه

جهاد دانشگاهی یکی از نهادهای انقلاب است که توسط ستاد انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ تأسیس گردید. پس از تبدیل ستاد انقلاب فرهنگی به شورای عالی انقلاب فرهنگی اساسنامه این نهاد دستخوش تغییرات مکرر گردید تا در نهایت در سال ۱۳۷۰، اساسنامه فعلی جهاد دانشگاهی به تصویب رسید. در اساسنامه فعلی دو وظیفه عمده انجام تحقیقات علمی و فعالیت‌های فرهنگی به عهده جهاد دانشگاهی گذاشته شده و از جهاد دانشگاهی به مثابه پلی میان دانشگاه و بخش صنعتی - خدماتی کشور یاد شده است.

ذیلاً پاره‌ای از مهم‌ترین اهداف تشکیل جهاد دانشگاهی ذکر خواهد شد:

- گسترش تحقیقات و شکوفایی روحیه تنوع و استعدادها در سطح جامعه برای نیل به خود اتکایی؛

۳- انجام طرح‌های پژوهشی فرهنگی

به منظور زمینه‌یابی و اثرسنجی فعالیت‌های فرهنگی، دفتر مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی با هدف انجام طرح‌های مطالعات فرهنگی و فعال نمودن دانشجویان در این زمینه فعالیت دارد.

۴- جشنواره‌های فرهنگی و هنری شامل

- برگزاری دوره‌های متعدد جشنواره تئاتر دانشجویان

- برگزاری چندین دوره مسابقات آثار هنرهای تجسمی دانشجویان

چنانکه پیش‌تر ذکر شد یکی از اهداف اساسی جهاد دانشگاهی گسترش تحقیقات و شکوفایی روحیه تبع و استعدادها در سطح جامعه است. در ادامه نگاهی خواهیم داشت به وضعیت پژوهش در کشور و موانع و مشکلات آن.

بحث سوم - مشکلات پژوهش در کشور

یکی از بحث‌هایی که شاید طرح آن مفید باشد مسئله توجه به پژوهش و روحیه پژوهشگری در کشور است. آموزش عالی ایران در سال‌های اخیر رشد کمی خوبی داشته است. تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مؤسسات مراکز آموزش عالی کشور و همچنین تعداد فارغ‌التحصیلان دلیل خوبی برای این مدعاست. بر طبق آمارهای موجود ما در حال حاضر در مجموعه مؤسسات دولتی و غیردولتی بالغ بر ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار دانشجو داریم که نسبت به سال ۱۳۶۸ که کل تعداد دانشجویان ۴۴۷ هزار نفر بوده است حدود ۲۰۰ درصد رشد داشته‌ایم.

همچنین در مورد تعداد اعضای هیئت علمی تمام وقت با رشد سالانه حدود ۵ درصد رو به رو بوده‌ایم. تعداد فارغ‌التحصیلان مراکز آموزش عالی دولتی و غیردولتی نیز که در سال ۱۳۶۸، حدود ۵۰ هزار نفر بوده است به ۱۶۱ هزار نفر رسیده است.

اما آیا به موازات این رشد کمی، رشد کیفی نیز حاصل شده است؟ این پرسشی است که باید با حوصله در مورد آن بررسی شود. به راستی آیا ما در سایر شاخص‌های علمی نظیر مقالات علمی، انجام پروژه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی نیز رشدی داشته‌ایم؟ و اگر حرکت ما قریب رشد بوده است آیا درصد رشد با درصد رشد کمی همخوانی دارد؟

مسلماً جواب منفی است. دلیل این مشکل را می‌توان در مسائل زیادی جستجو نمود که بر شمردن تمامی آنها از حوصله این گزارش خارج است. اما به طور خلاصه به دو دسته مشکل می‌توان اشاره کرد:

۱- مشکلات بنیادی در نظام آموزشی کشور اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی

۲- مشکلات شکنی و موردی که مجموعه نظام پژوهشی و تحقیقاتی کشور از آن رنج می‌برد.

در مورد مشکل اول باید گفت متأسفانه نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی ایران نظامی است مبتنی بر محفوظات و کمتر عملی و کاربردی. در تمامی دوران مدرسه و حتی متأسفانه در دانشگاه اصل بر این است که دانش‌آموزان و دانشجو در کلاس حاضر شوند و مقداری از محفوظات و تئوری‌ها را بیاموزند و در پایان سال یا در پایان ترم امتحانی مکتوب به عمل آید و نمره‌ای بابت همین امتحان به دانش‌آموز یا دانشجو داده شود و این نمره راه را برای ورود به مرحله بعدی می‌گشاید. با تأسف بیشتر حتی در رشته‌هایی که به

- توسعه امور فرهنگی در سطح جامعه از طریق همکاری با حوزه و دانشگاه؛
- گسترش طرح‌های کاربردی و نیمه صنعتی از طریق پیوند با مراکز علمی و تحقیقاتی به منظور به کارگیری نتایج پژوهش.

در راستای تحقق اهداف فوق، وظایفی به عهده جهاد دانشگاهی گذاشته شده است.

اهم این وظایف عبارتند از:

- ۱- تبلیغ و ترویج فرهنگ و هنر اسلامی و برنامه‌ریزی فرهنگی و تربیتی و ایجاد آمادگی فکری و مکتبی در قشر جوان به خصوص دانش‌آموزان و دانشجویان به منظور مقابله با غرب‌زدگی و انحرافات فرهنگی در چارچوب سیاست‌های فرهنگی کشور؛
- ۲- ایجاد تشکیلات مناسب به منظور تألیف، ترجمه و انتشار کتب، نشریات، نتایج تحقیقات و مقالات علمی، فرهنگی و تولید مواد کمک آموزشی؛
- ۳- انجام دادن تحقیقات توسعه‌ای و کاربردی؛
- ۴- حمایت، تشویق و جذب دانشجویان و پژوهشگران جوان و مستعد برنامه‌ریزی و ایجاد شرایط و امکانات لازم به منظور فراهم آوردن زمینه فعالیت علمی و پژوهشی آنان بر مبنای شناخت مشکلات واقعی و نیازهای تخصصی جامعه.

۲-۲- فعالیت‌های فرهنگی جهاد دانشگاهی

برای تحقق اهداف تبیین شده در اساسنامه، معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی که بیشتر از نیروهای دانشجو تشکیل یافته است، برای فعالیت‌های دانشجویان اقدام به اجرای برنامه‌هایی از قبیل مسابقات علمی، فرهنگی، عقیدتی، کلاس‌های آموزشی، فرهنگی، برگزاری سمینار و سخنرانی، انجام دیدارها، اردوهای پیش دانشگاهی، اردوهای سیاحتی، زیارتی، برپایی نمایشگاه و امور تبلیغات و نمایش فیلم‌های سینمایی در ایام سال تحصیل برای استفاده دانشجویان به عنوان مخاطبان اصلی می‌نماید.

بعضی از فعالیت‌هایی که در راستای مسائل فوق صورت گرفته است عبارتند از:

۱- فعالیت‌های قرآنی

شامل تأسیس کانون قرآن، آموزش تخصصی تجوید و لحن، اردوهای قرآنی تهیه نرم‌افزارهای قرآنی، برگزاری مسابقات قرآن، مفاهیم و حفظ در سطوح مختلف، برگزاری نمایشگاه‌های قرآنی، تشکیل گروه‌های تواشیح، راه‌اندازی نوارخانه صوتی و تصویری، برپایی مراسم شبی با قرآن و برگزاری‌های جشن‌های قرآن که تقریباً هر ساله به طور مستمر انجام می‌شود.

۲- برنامه‌های مربوط به کتاب و کتابخوانی شامل

- حضور فعالانه و مستمر در نمایشگاه بین‌المللی کتاب
- انجام برنامه‌های هفته کتاب و کتابخوانی
- برپایی نمایشگاه‌های سالانه کتاب توسط جهاد دانشگاهی
- انتشار کتب مورد نیاز دانشگاه‌ها به تفکیک گروه‌هایی تخصصی از جمله این موارد می‌باشد.

دانش آموزان و دانشجویان مجبور کار عممی هستند مثلاً در هنرستان‌ها یا در دوره‌های پزشکی در دانشگاه‌ها باز اصل فرایند آموزش مبتنی بر انتقال آموخته‌های پیشین به دانش آموز و دانشجویان و کمتر خبری از نوآوری و ابداع داریم. حتی در مواردی اجازه این کار هم داده نمی‌شود و با دانش آموز و دانشجوی مبتکر برخورد نامناسب می‌شود. در حقیقت اگر بخواهیم در یک جمله خلاصه کنیم باید بگوییم که نظام آموزشی کشور ما اصولاً هدف اولیه‌اش در هر سطحی آموختن مقداری از مسائل به دانش آموزان و دانشجویان جهت یادگرفتن و سپس وارد شدن به بازار کار اعم از دولتی و غیردولتی می‌باشد. حال به عنوان مثال زمانی تحصیلات لازم برای وارد شدن به بازار کار ششم ابتدایی و سیکل اول متوسطه بود و زمانی دیگر حداقل تحصیلات لازم مثلاً لیسانس و کارشناسی و در آینده ممکن است به سطح فوق لیسانس و دکتری نیز برسد. حل این مسئله نیاز به کار اساسی و تحول در نظام آموزشی کشور دارد. حتی متأسفانه این مسئله به قدری عمیق و ریشه دار شده است که جزء فرهنگ مردم این مرز و بوم شده است و خانواده‌ها سعادت و خوشبختی فرزند خویش را در گذراندن تحصیلات متوسطه و وارد شدن به دانشگاه‌ها می‌دانند و لاغیر.

اما مشکل دوم که خود انواع و اقسام مشکلات غیر پایه‌ای را در بر می‌گیرد که البته تعداد زیادی از آنها ریشه در مشکلات پایه‌ای دارند. به عنوان نمونه بعضی از این مشکلات ذکر می‌شوند:

در سال‌های اخیر توجه خوبی به تحقیقات و پژوهش در کشور شده است و بودجه پژوهش در کشور افزایش یافته است.

مثلاً بودجه اختصاص یافته برای امور تحقیقاتی در قانون بودجه سال ۱۳۷۶ کشور بالغ بر ۱,۱۲۳,۱۱۶,۰۱۰,۰۰۰ ریال بوده است که نسبت به سال ۱۳۷۵ حدود ۷۰ درصد رشد و نسبت به سال ۱۳۷۳ حدود ۹۰ درصد رشد داشته است.

آیا به موازات آن واقعاً تحقیقات در کشور در طی سال‌های فوق رشدی داشته است و اگر بله چه درصد رشدی را نشان می‌دهد؟

برای روشن شدن موضوع چند مورد مقایسه مربوط به سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ که گزارش ملی تحقیقات مربوط به آن سال‌ها منتشر شده است را بیان می‌داریم. در همین جا و قبل از وارد شدن به موضوع باید اشاره نمود که الان که در نیمه دوم سال ۱۳۷۷ به سر می‌بریم متأسفانه آخرین گزارش ملی تحقیقات منتشر شده مربوط به سال ۱۳۷۳ است و از گزارش‌های سال‌های ۱۳۷۴، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ هنوز هیچ خبری در دست نیست که شاید این هم یکی دیگر از موارد عدم توجه کافی از سوی متولیان امر باشد.

کل اعتبار تحقیقاتی سال ۱۳۷۳، ۴۵۷,۲۵۳,۶۸۰,۰۰۰ ریال بوده است که نسبت به سال ۱۳۷۱ که مقدار آن ۱۸۶,۴۲۰,۳۳۱,۰۰۰ ریال بوده است از رشدی معادل ۱۴۵ درصد برخوردار بوده است. حال نگاهی خواهیم داشت به سایر مؤلفه‌های پژوهشی در این ۲ سال:

- ۱- تعداد کل کارکنان پژوهشی در سال ۱۳۷۳، ۴۴۳۶۰ نفر بوده که نسبت به سال ۱۳۷۱، ۳۰ درصد رشد داشته است.
- ۲- تعداد پژوهشگران در سال ۱۳۷۳، ۲۵۴۴۲ نفر بوده که نسبت به سال ۱۳۷۱، ۵۳ درصد رشد داشته است.
- ۳- مجموع پروژه‌های تحقیقاتی انجام شده در سال ۱۳۷۳، ۲۴۲۹۲ عدد بوده است که نسبت به سال ۱۳۷۱، حدود ۶۷ درصد رشد داشته است.
- ۴- تعداد کل مقالات چاپ شده در سال ۱۳۷۳، ۷۶۰۰ مقاله بوده است که حدود ۱۰ درصد نسبت به سال ۱۳۷۱ کمتر شده و رشد منفی داشته است.

۵- تعداد گردهمایی‌های علمی در سال ۱۳۷۳، ۲۵۱۶ عدد بوده است که نسبت به سال ۱۳۷۱، حدود ۱۵۷ درصد رشد داشته است.

در این قسمت دو مطلب قابل توجه وجود دارد که ذکر آن ضروری است:

۱- در مقابل تعداد ۲۴۲۹۲ پروژه تحقیقاتی انجام شده در سال ۱۳۷۳، فقط ۷۶۰۰ مقاله علمی ارائه شده وجود دارد که نشان می‌دهد از هر سه پروژه فقط یکی به صورت مقاله به چاپ رسیده است که این شاخص در واقع حکایت از عدم مستندسازی نتایج فعالیت‌های تحقیقاتی در کشور دارد.

۲- در ۲۵۱۶ گردهمایی علمی که حدود ۴۰ مورد آن بین‌المللی بوده است ۳۵۸۶ مقاله ارائه شده است. اگر بخواهیم میزان موفقیت این گردهمایی‌ها را ارزیابی کنیم شاید تعداد مقالات منتشره در این گردهمایی‌ها، برآوردگر مناسبی باشد (البته برآوردگرهای دیگری نیز ممکن است وجود داشته باشد که مکتوب و مستند و در دسترس نیستند).

چنانکه ملاحظه می‌شود معدل تعداد مقالات علمی برای هر گردهمایی فقط ۱/۴۲ می‌باشد یعنی به بیان دیگر در هر دو گردهمایی به طور متوسط فقط حدود ۳ مقاله علمی منتشر شده است که شاید این مسئله نشان از غیرکارا بودن این گونه گردهمایی‌ها باشد و لازم بیاید که فکری به حال ضابطه‌مند نمودن برگزاری این گردهمایی‌ها بشود. البته در سالیان گذشته شورای عالی انقلاب فرهنگی این مسئله را مورد بحث و بررسی قرار داده است و سعی نموده که ضوابطی را برای برگزاری این گونه سمینارها و گردهمایی‌های علمی تدوین نماید.

کوتاه سخن این که امکانات محدودی که از بودجه مملکت به امر پژوهش اختصاص می‌یابد متأسفانه کمتر به صورت ضابطه‌مند و در خدمت خود تحقیق و پژوهش هزینه می‌شود و بیشتر در مسائل جنبی مربوط به پژوهش و تحقیقات هزینه می‌گردد. به عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اشاره می‌گردد که:

الف- عواملی باعث گر دیده‌اند که نظام آموزشی کشور ماکتومیل به پژوهش داشته باشد و روحیه تحقیق کمتر در دانش‌آموختگان کشور وجود داشته باشد. پاره‌ای از این عوامل عبارتند از:

۱- نظام آموزش و پرورش غلط در مدارس؛

۲- کاربردی نبودن آموزش‌های ارائه شده؛

۳- مشخص نبودن جایگاه تحقیقات در آموزش عالی؛

۴- عدم ایجاد در روحیه اعتماد به نفس در دانش‌آموختگان؛

۵- ایجاد ارزش‌های غلط در جامعه نظیر مدرک‌گرایی و وجود شغل‌های کاذب؛

۶- همگانی نبودن مسئله تحقیق و علم‌آموزی؛

۷- عدم ارتباط بین صنعت و دانشگاه.

ب- مشکلات موردی که امر پژوهش از آن رنج می‌برد. مسائلی نظیر:

۱- عدم وجود متولی مشخص قانونی برای تحقیقات در کشور به صورت پررنگ؛

۲- عدم هدایت بودجه‌ها و امکانات موجود پژوهشی در کانال‌های صحیح؛

۳- اسراف و تبذیر در کنار پژوهش و به نام پژوهش.

از جمله این عوامل هستند.